

حادثه‌ها

افشای راز جسد پتویج

● **ایستنا:** معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی پایتخت از دستگیری دو برادری خبر داد که برای انتقام، زن ۶۴ ساله‌ای را با ضربات متعدد چاقو به قتل رسانده بودند. سرهنگ کاراگاه آریا حاجی‌زاده گفت: ماموران کلانتری جامی ساعت ۱۷، دوازدهم مرداد در حین گشت‌رنی به خودرو تویوتای رهاشده‌ای مشکوک شدند و در بازرسی از این خودرو، جسد زن ۶۴ساله‌ای را که به صورت پتوییج در صندلی سمت شاگرد خودرو رها شده بود یافتند. وی گفت: بررسی‌های اولیه نشان داد این زن به نام «طاهره» بر اثر اصابت ضربات متعدد جسم برنده به گردن، سینه و شکم، جان خود را از دست داده است. معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی پایتخت گفت: کارآگاهان در تحقیقات و بررسی‌های انجام شده، به دو برادر به نام‌های «اساسان» و «سامان» مظنون شدند که این افراد در چهاردهم شهریور در محدوده میدان راه‌آهن دستگیر شدند. وی با بیان اینکه این افراد به اتهام مظنونیت در قتل بازداشت شده بودند، گفت: در ادامه تحقیقات، سرانجام «سامان» در روز شنبه هفته جاری به قتل «طاهره» با همدستی برادرش «اساسان» اعتراف کرد. حاجی‌زاده با بیان اینکه این افراد در اعترافات خود عنوان کردند پدرشان (کمال) راننده همرس مقتول بود، گفت: این دو برادر توضیح دادند به علت مشکلاتی که توسط خانواده مقتول در زندگی‌شان ایجاد شده و همچنین معاندنشدن پدرشان، تصمیم به انتقام از این خانواده گرفتند. به‌گونه‌ای که در روز حادثه این دو به منزل مقتول رفتند و ضمن سوارشدن به خودرو این فرد، نقشه قتل این زن را اجرا کردند. معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی پایتخت افزود: سامان در اعترافات خود عنوان کرد حوله آغشته به مواد بیهوش‌کننده را روی صورت «طاهره» گذاشت و سپس «اساسان» با چاقو چند ضربه به بدن این زن وارد کرد.

گروگانگیری نافر جام طلافروش

● **ایستنا:** سارقانی صبح دیروز به‌دنبال سرقت از جواهرفروشی، مرد طلافروش را به گروگان گرفت. سرهنگ حسین حسین‌زاده، جانشین فرمانده انتظامی استان اصفهان گفت: این گروگانگیری در چهارراه هفتم محرم (وقایی) انجام شد. سارق طلافروشی پس از گروگانگیری و محاصره توسط نیروهای پلیس اقدام به خودکشی کرد. حسین‌زاده اظهار کرد: هیچ طلایی از این طلافروشی سرقت نشد و عملیات پس از خودکشی این سارق در محل به پایان رسید. وی ادامه داد: دروشنده این مغازه نیز که در درگیری با سارق هدف گلوله قرار گرفت به بیمارستان منتقل شد.

شرق: مردی که دخترش را به دلیل پرخاشگری‌های او به قتل رسانده بود، در شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه می‌شود. این پرونده روز هفتم بهمن دو سال قبل در بی مرگ دختر ۱۴ساله‌ای به نام سوسن تشکیل شد. پدر سوسن وقتی با پلیس تماس گرفت و ماموران را به محل حادثه کشاند، مدعی شد فرزندش با خوردن داروهای اعصاب به زندگی‌اش پایان داده است اما کارآگاهان در جریان بررسی‌های میدانی مرگ سوسن را مشکوک تشخیص دادند و ضمن انتقال جسد به پزشکی‌قانونی پدر وی به نام بهرام را نیز بازداشت کردند. بهرام در بازجویی‌ها منکر قتل شد و گفت: «من، همسر و دو دخترم زندگی آرامی داشتیم. من و همسر

۲۵سال قبل به آلمان مهاجرت کردیم و سوسن نیز در آنجا به‌دنیا آمد اما او از نظر روحی و روانی مشکلاتی داشت به همین دلیل به ایران برگشتیم تا بلکه دخترم بهتر شود. در این مدت نیز در خانه خواهرم زندگی می‌کردیم. تا اینکه سوسن خودکشی کرد.» متخصصان پزشکی‌قانونی مدتی بعد با انجام آزمایش‌های تخصصی اعلام کردند سوسن بر اثر فشار بر عناصر حیاتی کردن خفه شده و به قتل رسیده است. اعلام این نظریه سبب شد بهرام دوباره تحت بازجویی قرار گیرد. او این‌بار اتهام قتل دخترش را قبول کرد و گفت: «سوسن دختر پرخاشگری بود به‌گونه‌ای که نمی‌شد تحملش کرد. او وقتی در آلمان به مدرسه رفت رفتارهای ناهنجاری از

حوادث

پرونده به دادگاه فرستاده شد

قتل دختر پرخاشگر به دست پدر

خودش نشان داد. با همه دعوا می‌کرد. معلم‌ها را کتک می‌زد، شیشه مدرسه را می‌شکست و پرخاشگری‌های دیگر انجام می‌داد به همین دلیل به ایران آمدم تا بلکه او در محیط تازه آرام شود اما ایسن اتفاق نیفتاد و روز حادثه دوباره شروع به پرخاشگری کرد. من برای اینکه وی را آرام کنم دستم را جلو دهانش گرفتم البته به هیچ‌وجه قصد نداشتم او را به قتل برسانم اما دخترم ناگهان از حال رفت و متوجه شدم دیگر نفس نمی‌کشد به همین دلیل در تماس با پلیس مدعی شدم سوسن خودکشی کرده است.» کارآگاهان در ادامه تحقیقات به بازجویی از مادر سوسن پرداختند. او حرف‌های شوهرش را تایید کرد و گفت: «دخترم به‌شدت عصبی بود البته

هیچ نوع دارویی مصرف نمی‌کرد. ما در آلمان او را نزد چند پزشک بردیم اما همگی گفتند سوسن از نظر روحی و روانی مشکلی ندارد و پرخاشگری‌هایش به‌دلیل شرایط سنی و قرارگرفتن در مرحله جوانویی است اما هر کاری می‌کردیم دخترم آرام نمی‌گرفت. بازگشت ما به ایران هم هیچ فایده‌ای نداشت.» پس از آنکه بازپرس جنایی به بررسی پرونده پرداخت، مادر سوسن با مراجعه اعلام کرد هیچ شکایتی از شوهرش ندارد و به‌ه او رضایت می‌دهد. با این وجود بهرام در زندان ماند و بعد از صدور کیفرخواست پرونده وی روز گذشته در اختیار قضات شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران قرار گرفت تا این مرد را محاکمه و میزان مجازات وی را مشخص کنند.

عاملان ۲ جنایت خانوادگی پای میز محاکمه

یکی از متهمان پدرش و دیگری برادرش را کشته است



مهرداد ویداد

تا آن موقع ۹سال از عمرش را کار کرده بود. او پسر سختی‌کشیده‌ای است با پدرش هم مشکلی نداشت و حتی هزینه اعتیاد او را هم می‌داد اما مدتی بود که اعتیاد هاشم شدید شده بود. آنها روز حادثه سر این موضوع با هم بحث کردند که منجر به قتل شد. سعید خیلی بچه بود که مسوولیت سه برادر دیگرش را برعهده گرفت. آنها اعلا رضایت کردند و درخواست دارم موافقت کنید سعید از زندان آزاد شود. در ادامه متهم در جایگاه حاضر شد او اتهام قتل را قبول کرد و گفت: من با پدرم مشکلی نداشتم درگیری ما به خاطر پول مواد بود، او مرتب برای خرید مواد از من پول می‌گرفت من کار می‌کردم تا برادرانم بتوانند درس بخوانند و به جایی برسند، سعی می‌کردم نبود پدرم و مادرم را جبران کنم. چون پدرم اعتیاد داشت زیاد به فکر بچه‌ها نبود و من آنها را اداره می‌کردم اما این اواخر پدرم اعتیادش شدیدتر شده بود، دیگر سر کار نمی‌رفت

اختلاف خانوادگی و سوءظن

انگیزه قتل ۲ زن به‌دست شوهران

رسیده است. همچنین پلیس متوجه شد امیر باوجود ادعای قبلی‌اش ساعتی از روز را بیرون از محل کارش بوده اما ورود و خروج او ثبت نشده است. ردیابی تلفنی پلیس هم نشان داد امیر روز حادثه در زمان تقریبی قتل در فاصله ۳۰۰متری خانه‌اش تماس تلفنی داشته است. همچنین متخصصان خشناسی هم اعلام کردند نوشته‌های روی کاغذ ارایه‌شده از سوی امیر متعلق به مینا نیست. اما این همه ماجرا نبود. همسر برادر مینا نیز گفت: «دست‌نوشته‌ای را روی جسد دیدم. مینا به‌دلیل اختلافات شدیدی که با شوهرش داشت بارها گفته بود خودش را می‌کشد، اما هیچ‌وقت این کار را نکرد. ما دست‌نوشته را به خانه مادر امیر بردیم و ظاهراً آنها هم حین خانه‌تکانی آن را دور انداخته‌اند» به این ترتیب با توجه به مدارک به‌دست‌آمده و باوجود اینکه امیر به قتل اعتراف نکرد کیفرخواست علیه متهم صادر شد و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران رفت. دومین پرونده که به شعبه ۱۱۳ راجع شد نیز درخصوص همسر کشی بود. در این پرونده مردی که قصد داشت به‌خاطر دخترش به همسر اولش رجوع کند به‌خاطر سوءظن به این زن او را به قتل رساند. مرد جوانی که مهدی نام دارد خودش گزارش این قتل را به ماموران داد و با انتقال جسد رگسنا -زن جوان- به پزشکی‌قانونی مهدی جزئیات زندگی‌اش و قتل را فاش کرد. او گفت: من ۱۰سال قبل با رگسنا آشنا شدم و با هم ازدواج کردیم او یک‌بار ازدواج کرده و جنا شده بود. یک سال بعد از ازدواجمان صاحب دختری شدیم، اما مدتی بعد متوجه شدم زنم با کسی رابطه دارد و از هم جدا شدیم. در این مدت که جدا بودیم و حضانت بچه هم با رگسنا بود زنم با افراد زیادی رابطه برقرار کرد. من هم با زنی ازدواج کردم که بچه‌دار نمی‌شد. مرتب به دین دخترم می‌رفتم و برایش پول می‌بردم با رگسنا هم به‌خاطر دخترم ارتباط داشتم تا اینکه رگسنا را در جریان لو رفتن خانه فساد بازداشت کردند. او از من کمک خواست و به‌خاطر دخترم به او کمک کردم. سعی کردم دخترم را از او بگیرم اما نشد. رگسنا بعد از هفت‌سال جدایی به من پیشنهاد داد به‌خاطر دخترمان با هم ازدواج کنیم. این در حالی بود که همسر دوم هم مهری‌اش را به اجرا گذاشته بود و قصد جدایی از من را داشت. من به‌دلیل نیرداشتن مهریه مدتی زندانی شدم، وقتی بیرون آمدم، رگسنا در خانه من نبود. از طریق خواهرش او را پیدا کردم و به ساختمانی رفتم که در آنجا زندگی می‌کرد. دخترم هم در خانه بود وقتی دستنویی رفتم و برگشتم متوجه خروج مردی از آن ساختمان شدم. پرسیدم این مرد کیست، رگسنا از جواب دان طفره رفت ولی من مطمئن بودم آن مرد با رگسنا رابطه داشت. با هم درگیر شدیم و او را خفه کردم. با تکمیل تحقیقات کیفرخواست علیه متهم صادر شد و وی به‌زودی محاکمه‌می‌شود.

نگاه

کودکان بیش‌فعال در معرض آسیب



ناصر قاسم‌زاد روانشناس و استاد دانشگاه

● در خبرها داشتیم دختر ۱۴ساله‌ای به دلیل پرخاشگری و بیش‌فعالی توسط پدرش به قتل رسید. کودکان و نوجوانان بیش‌فعال انرژی زیادی را از والدین می‌گیرند و در بسیاری از مواقع رفتارهای غیرقابل کنترل دارند که مانع از آرامش و آسایش افراد خانواده می‌شود. اولین موضوعی که در درمان بیش‌فعالی مطرح است درمان روانپزشکی است یعنی باید حتماً فرد مورد معاینه روانپزشکی قرار بگیرد و بعد از آزمایش‌های مغزی داروهای لازم با توجه به نوع و کیفیت و میزان بیش‌فعالی کودک برای او تجویز شود. بعضی از والدین دارای سعه‌صدر، ظرفیت و مقاومت بالاتری هستند و می‌توانند با این بچه‌ها مدارا کنند. روش تربیتی برخی والدین هم برخورد و مهار فیزیکی است. در چنین شرایطی کودک هم تنبیه را تحمل می‌کند و این شیوه ادامه می‌یابد. ولی حساسیت و میزان آسیب‌پذیری برخی والدین بالاست و آستانه تحمل کمتری دارند. آنها به مرور در روابطی که با این کودک دارند به خستگی روانی مبتلا می‌شوند. از نظر ذهنی و فکری خودشان را شکست‌خورده و ناکام در فرزندپروری می‌بینند و گاهی این حس شکست و یأس باعث افسردگی، کاهش باردهی و خنده‌در ارتباطات شغلی و اجتماعی پدر یا مادر می‌شود و وقتی چنین شرایط روحی‌ای بر فرد مستولی شود امکان آسیب زدن به خود به‌وجود می‌آید.همچنین در برخی مواقع که سوابق رشدی خود پدر یا مادر با وقفه‌های روبه‌رو بوده و زمینه‌های شکل‌گیری وجدانیات اخلاقی به نحو صحیح در او رشد نیافته باشند امکان وارد کردن آسیب به دیگری و بزه هم وجود دارد. یعنی وقتی ما می‌بینیم پدر یا مادری مرتکب چنین جنایتی می‌شود به‌معنی آن است که آستانه تحمل پایین آمده و در دوره رشد آن پدر یا مادر هم وقفه‌هایی وجود داشته است. بنابراین صلاح این است که والدین قبل و بعد از ازدواج مشاوره‌های مربوطه را در مورد فرزندپروری و عهدمدار شدن مسوولیت پدر یا مادری دریافت کنند و آموزش‌های لازم را ببینند و خطرات و بیماری‌هایی که ممکن است بچه‌ها را تهدید کند، مانند بیش‌فعالی یا بقیه اختلالات دوران کودکی را بشناسند و بتوانند در اولین فرصت نسبت به درمان اقدام کنند. مثلاً در همین مورد دختر ۱۴ساله او باید درخصوص بیش‌فعالی به درمان می‌رسید یعنی اگر این موضوع به‌موقع تشخیص داده شود، سن ۱۴سالگی، سن کنترل و رو به سلامت‌شدن بیماری است اما روند تربیتی بیمار‌گونه والدین، باج‌دهی زیاد، کنار آمدن بی‌محابا و هزینه‌دان‌های زیاد در نهایت باعث آسیب به خود والدین و فرزند شده است. همان‌طور که تأکید شد اقدامات روانپزشکی در خط‌مقدم درمان است و در کنار آن مشاوره‌های روانی از سنین پایین توصیه می‌شود. در این صورت وقتی فرزند به نوجوانی رسید این بیماری دیگر کنترل شده است. درمان درخصوص کودکان پنج تا ۱۰ساله شروع می‌شود و بیماری در سن ۱۳و ۱۴سالگی سیر نزولی پیدامی‌کندولی متأسفانه گاه چون درمان به‌هنگم و درست انجام نشده است طبیعتاً می‌تواند باعث چنین اتفاقاتی شود. البته این پرونده با توجه به سکونت این خانواده در آلمان و سپس بازگشت به ایران یک مورد استثنایی است. تغییر فرهنگ، آداب و رسوم و نحوه تربیتی از یک کشور به کشور دیگر هم باعث می‌شود هم والدین آسیب ببینند و هم درمان کودک درست انجام نگیرد.

از طرفی این والدین برای درمان فرزند خود در سنین پایین‌تر اقدام کرده ولی نتیجه نگرفتند. می‌توان گفت حساسیت زیاد والدین احتمالاً باعث این ماجرا شده است

البته این موضوع به بررسی احتیاج دارد چون در برخی موارد درمان‌ها، درمان‌های نادرستی است که با شکست روبه‌رو می‌شود یا درمانگر، فرد قالبی نیست و شرایط درمانی درست لحاظ نمی‌شود و گاهی هم ممکن است در این پروسه والدین وظایفشان را درست انجام ندهند.

علاوه بر این موارد در یک دهه اخیر در ایران با افزایش آمار اختلالات دوران کودکی روبه‌رو بوده‌ایم که ناشی از اضطرابات رایج در سطح جامعه در نزد والدین و در بین خانواده‌ها به‌واسطه مسایل اجتماعی و اقتصادی است. بنابراین توصیه می‌شود زوجین قبل از اقدام به مسوولیت‌پذیری در رابطه با فرزندان خود ابتدا اطلاعات کامل در حوزه‌های روانشناسی رشد و روانشناسی تربیتی را دریافت و حتماً ابتدا مسایل و مشکلات شخصی خودشان را شناسایی و نسبت به درمان آن اقدام کنند. پیشگیری همیشه بر درمان مقدم و هزینه آن هم بسیار کمتر است.

بریده‌اخبار

- دختر بچه سه‌ساله آمریکایی حین بازی با سلاحی که متعلق به پدرش بود خود را هدف گلوله قرار داد و جان باخت.**
- حکم قصاص مرد اسیدپاش که همسرش را به دلیل سوءظن به قتل رسانده بود، در دیوان عالی کشور تایید شد.**
- سارق مسلحی که قصد سرقت از بانک ملت شعبه شهید حسینی رفستانجان را داشت، ناکام ماند.**
- جاری‌شدن سیل در روستای خاتون‌آباد بخش مرکزی عنبر آباد جان ۷ک۹ساله‌ای را گرفت.**